

Rereading the Pilgrimage of Aminullah based on the Physiological Model of a Healthy Human Soul in Spiritual Medicine

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Zeinab Rezazadeh¹
Mohammad Hassan Saneipour^{2*}
Ali Reza Moafaq³
Nasser Momeni⁴

How to cite this article

Rezazadeh Z, Saneipour M H, Moafaq A R, Momeni N. Rereading the Pilgrimage of Aminullah based on the Physiological Model of a Healthy Human Soul in Spiritual Medicine, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(2): 29-42.

1. PhD student of the Department of Quran and Hadith Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kashan University, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Payam Noor University, Tehran, Iran
4. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Payam Noor University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Email: saneipur@kashanu.ac.ir

ABSTRACT

Purpose: To find the dimensions of health and healing of the soul in prayer, including the salient features of prayer and its performance. Among the significant sources for researchers are the prayers included in the pilgrimages of Maathor. Research in these prayers, especially in the field of human spiritual medicine, is of great importance.

Materials and methods: Among the pilgrimages, the very authentic pilgrimage of "Aminullah" that has reached us from Imam Sajjad (a.s.) has deep points; Based on the model of spiritual medicine, the researcher explains the physiology (characteristics of a healthy human soul) in this pilgrimage.

Findings: According to the prayer part of this pilgrimage, the characteristics of a healthy human soul are identified in six characteristics: peace, ease and collective spirit, contentment and satisfaction, patience and patience, gratitude and gratitude, the desire to meet and connect with friends and family, and carrying luggage. His relationship with himself is in three characteristics: attachment to God, remembering divine blessings and entertainment and being busy with other things, and the health of the human soul in his relationship with God and four characteristics: loving the good and good, following the way of the good and good, good name, good nature and loveable; And he has stated that he avoids bad temper and bad temper in relation to others. This descriptive-analytical research is based on library sources and tries to extract the topic.

Conclusion: By rereading the prayer part of Amin Allah's pilgrimage based on the model of spiritual medicine, the author has achieved the thirteen physiological indicators of a healthy human soul.

Keywords: Medicine, spirituality, spiritual medicine, physiology, pilgrimage to Aminullah.

بازخوانی زیارت امین الله براساس الگوی فیزیولوژیک

روح سالم انسان در طب روحانی

زینب رضازاده^۱

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

محمد حسن صانعی پور^{۲*}

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

علی رضا موقق^۳

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

ناصر مؤمنی^۴

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

هدف: یافتن ابعاد سلامت و درمان روح در دعا، از جمله ویژگی‌های برجسته دعا و عملکرد آن است. از جمله منابع قابل توجه برای پژوهشگران، نیایش‌های درج شده در زیارت‌های مأثور است. پژوهش در این دعاها، به ویژه در حوزه طب روحانی انسان، از اهمیت بالایی برخوردار است.

مواد و روش‌ها: در میان زیارت‌ها، زیارت بسیار معتبر «امین الله» که از امام سجّاد(ع) به دست ما رسیده است، دارای نکاتی عمیق است. پژوهشگر بر اساس الگوی طب روحانی، به بیان فیزیولوژی (ویژگی‌های روح سالم انسان) در این زیارت، می‌پردازد.

یافته‌ها: با توجه به قسمت دعایی این زیارت، ویژگی‌های روح سالم انسان را در شش ویژگی: آرامش، آسودگی و خاطر جمعی، خشنودی و رضایت، صبر و شکیبایی، شکر و سپاسگزاری، دشوق دیدار و وصال بار؛ و زاد و توشه برداری را در ارتباط او با خودش، در سه ویژگی: دل‌بستگی به خدا، یادآوری نعمت‌های الهی و سرگرمی و مشغول شدن به غیر دنیا، در ارتباط او با خدا و چهار ویژگی: دوستدار خوبان و نیکان، پیرو سیره خوبان و نیکان، خوشنامی، نیک سرشتی و دوست داشتنی؛ و پرهیز از خوی بدن و بد سرشتان را در ارتباط با دیگران دارا می‌باشد، بیان داشته است. این پژوهش توصیفی-تحلیلی بر مبنای منابع کتابخانه‌ای فراهم آمده و تلاش دارد، به استخراج موضوع بپردازد.

نتیجه‌گیری: نویسنده با بازخوانی قسمت دعایی زیارت امین الله بر اساس الگوی طب روحانی، به شاخصه‌های سیزده‌گانه فیزیولوژیک روح سالم انسان، دست یافته است.

واژگان کلیدی: طب، روحانی، طب روحانی، فیزیولوژی، زیارت امین الله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

*نویسنده مسئول: saneipur@kashanu.ac.ir

مقدمه

سعادت‌مندی هدف پایانی انسان است. در کلام وحی، رستگاری آدمی، به شرط طهارت روح از امور ناپسند، و مضمین به خوبی‌هاست و بدبختی و بیچارگی، در آزادی خواهش‌های لایتنای نفس است. ﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (شمس / ۱۰-۸) روشنگری این آموزهای قرآنی و نشان دادن مسیر درست جهت رشد و سلامت روح انسان جز از امامان معصوم، که تفسیر کننده حقیقی قرآن هستند، بر نمی‌آید. برخی عرفا، برداشت خود را از مراحل تربیت انسان تا نهایت تسلیم به آستان ربانیت را در کتب آورده اند، اما با همه تلاش خویش در مقابل تعالیم امامان معصوم طفل ابجد خوانند.

در این میان نیایش‌های باقی مانده از معصومین علیهم السلام، میراثی ارزشمند برای شیفتگان معارف تربیتی اسلام و شیعه به حساب می‌آید. از برجسته‌ترین آن‌ها، دعاهای وارد شده در زیارت امین الله است که به برکت امام زین‌العابدین مانند چشمه‌هایی مقابل تشنگان عرصه معرفت، باز کرده و جاری گردیده است. این نیایش کامل در میراث تربیتی شیعه از موقعیت عظیمی برخوردار است. چنان که محدثی مانند علامه مجلسی (۱) در تجلیل این زیارت و بیان صحت و اعتبار آن سخن گفته است. استاد مطهری مفهوم و مضمون این زیارت را از بهترین‌ترین مضامین دینی دانسته است (۲).

این زیارت در سه قسمت سلام، دعا و مدح است. در قسمت دوم، دعایی در سیزده فراز بیان گردیده که مضمون آن مانند دستورکاری برای تأمین سلامت روح انسان است. عده‌ای در صدد بودند که این فرازهای دعا را باید مانند دستورکاری عرفانی در نظر گرفت. در این زیارت، زائر بلوغ روان خود را از حضرت حق درخواست کرده و از او طلب می‌کند که باطن وجودش محل تجلی صفات پسندیده گردد. این خاصیت مهم، نه تنها در دیگر زیارت‌ها، بلکه در هیچ نیایش مأثور دیگری وجود ندارد. در این مقاله به بررسی ابعاد سلامت روح انسان و روان شخص مؤمن با توجه به عبارات دعایی زیارت امین الله پرداخته شده است.

پیشینه و اعتبار زیارت امین الله در میان زیارتی که برای ائمه بیان شده است، زیارت امین الله شاید معتبرترین زیارت باشد، که هم از نظر سند معتبر است و سند قطعی دارد که به ائمه می‌رسد و چیزی نیست که مثلاً بگوید در یک کتابی نوشته شده باشد. هم از نظر محتوا و مضمون دارای اعتبار بسیار زیادی است. از این نظر هم جزء عالی‌ترین زیارت‌هاست و این زیارت، زیارت کوتاهی است و در کتاب مفاتیح و غیره جزء زیارت

صص ۲۲-۴۳. در این مقاله با تکیه و تاکید بر شخصیت والای امیرالمؤمنین به شرح بند بند زیارت امین الله پرداخته است و در آن با توجه به روایات، مؤلفه‌های رایج بیان کرده است و ارتباطی با طب روحانی که موضوع مورد بررسی ماست، ندارد.

۲. از کارهای دیگر می‌توان به امامت و جایگاه آن با تکیه بر زیارت نامه‌های آل‌سین، امین الله، وارث و اربعین از پروانه زارعی (۱۳۹۶)، در قالب پایان‌نامه اشاره کرد. در این پایان‌نامه به بیان جایگاه امامت و تبیین صفات و ویژگی‌های اهل بیت در زیارت‌نامه‌های ذکر شده پرداخته است، و اشاره‌ای به تأثیر آن‌ها در طب روحانی بشر ننموده است.

۳. کتاب سیمای مخبتین از محمد باقر تحریری (۱۳۸۰) است. سیمای مخبتین در ۴۰ فصل، به تبیین هر فراز از زیارت امین الله می‌پردازد و معنا و آثار آن‌ها را بیان می‌کند. در این کتاب از آنچه که نویسنده قصد بیان آن را دارد، مطلبی آورده نشده است.

۴. واکاوی ساحت تربیت و سلامت روان در زیارت امین الله نوشته حسن سجادی‌پور (۱۴۰۰) از مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، از نمونه‌هایی است که در نگاه اول با آنچه قرار است در این پژوهش انجام پذیرد نزدیک به نظر می‌رسد. اما با مراجعه به محتوای آن آشکار می‌شود که در این مقاله ابعاد تربیتی و سلامت بخشی در زیارت امین الله در سه ساحت شناخت، گرایش و رفتار بیان کرده است. اما پژوهشگر در این پژوهش، بر اساس الگوی طب روحانی به بررسی فیزیولوژی شاخصه‌های روح سالم انسان در ارتباط او با خودش، خدا و دیگران در قسمت دعایی زیارت امین الله، به بیان این شاخصه‌ها می‌پردازد.

۵. استخراج منابع و اصول تربیت بر اساس زیارت امین الله، علی نجاری قلعه‌نو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۴۰۰. که این رساله با هدف استخراج مبانی انجام شده و معتقد به داشتن مریبانی با رویکرد معنوی و مقید به دین در فرایند تعلیم و تربیت است.

۶. شرح مختصر زیارت امین الله، سید یدالله یزدان پناه، فایل (صوتی www.syya.ir)

۷. پیامدهای باور به شهود شاهدان و اشتیاق به دیدار خداوند در حیات بشر از منظر قرآن و زیارت امین الله، اعظم پرچم و همکاران، دو فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، پاییز ۱۳۹۴ - شماره ۱۰۶.

۸. شرح زیارت امین الله، سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴

زیارت امین الله بر اساس طب روحانی در بخش فیزیولوژی در هیچ منبعی به طور خاص بررسی نشده است و پژوهشگر عبارات شریفه-ی زیارت امین الله را با توجه به الگوی طب روحانی بازخوانی می‌کند.

امیرالمؤمنین نقل شده و جزء زیارات مطلقه است؛ یعنی زیارت مخصوصه نیست که مربوط به یک روز معین یا ایام خاص باشد. در هر وقت می‌شود امیرالمؤمنین را با آن زیارت کرد و از مختصات امیرالمؤمنین هم نیست. هراممی را هم با این زیارت می‌توان زیارت کرد؛ با این تفاوت که آن یک کلمه «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» در زیارت غیر امیرالمؤمنین برداشته می‌شود (۳).

این زیارت معروف به زیارت امین الله است که در تمام کتب مزاریه و مصابیح نقل شده است و علامه مجلسی که آن بهترین زیارات است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدسه بر این مواظبت نمایند و کیفیت آن چنان است که به سندهای معتبر روایت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و متن این زیارت را بیان فرمودند (۱).

دیدگاه طب روحانی

انسان دارای دو بُعد جسم و روح است، در سلامت بدن. اگر کسی مبتلا به بیماری خاصی باشد، باید در جهت رفع آن بیماری و اکتساب سلامت جسمش تلاش کند. اگر صحیح و سالم باشد باید در جهت حفظ صحت و سلامتی جسمش کوشش کند. اگر روح کسی بی‌بهره از صفات کمالی باشد، بر او واجب است که در به‌دست آوردن آن صفات کمالی و پاکسازی ضدش تلاش کند. همچنین صفت کمالی که آدمی به دست آورده، تلاش و کوشش در محافظت و ماندن آن صفت کمالی واجب است؛ از این جهت است که فن طب را به دو قسمت، تقسیم کرده‌اند: یک بخش در حفظ صحت و دیگری در رفع بیماری. علم اخلاق نیز شبیه به علم طب است، بلکه طب حقیقی آن است. پس علم اخلاق نیز به دو قسمت می‌شود: یکی در به‌دست آوردن فضائل، و دیگری در دفع رذائل. به جهت شباهت این دو علم، این علم را «طب روحانی» می‌گویند، همچنان که طب رایج را «طب جسمانی» می‌گویند. به همین جهت بود که جالینوس^۱ طبیب در نامه‌ای که به خدمت حضرت مسیح - علی نبینا و آله و علیه السلام - فرستاد نوشت که: «من طبیب الابدان الی طبیب النفوس» یعنی: «این نامه‌ای است از طبیب بدن‌ها به سوی طبیب روح‌ها» (۴).

پیشینه‌ی موضوع

زیارت امین الله از جمله دعاهایی است که مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد. این میزان از توجه باعث شده کارهای خوبی پیرامون این زیارت انجام گیرد و آثاری در موضوع‌ها و مضامین گوناگون تولید شود. توجه به این زیارت راه را برای پژوهشگران بسته است و هنوز می‌توان پژوهش‌های گوناگون را برای آن انجام داد. از جمله کارهای انجام شده به شرح زیر است:

۱. مقاله‌ای با نام درنگ و درایت در زیارت امین الله، از فصلنامه فرهنگ زیارت از حسین روحانی نژاد (۱۳۸۹)، شماره ۵.

¹ .Jalinus

مواد و روش ها

متن این زیارت از سه بخش تشکیل شده است که بخش اول ویژگی‌ها و اوصاف "امین الله" مطرح شده که او حجت خدا بر بندگان است و زائر در این بخش از زیارت به ویژگی‌های امام شهادت می‌دهد. از جمله این ویژگی‌ها امین و حجت خدا بودن بر بندگان و شهادت بر این که تلاش و جهاد امام در راه خدا، آن هم در اوج انجام حق جهاد، عامل کتاب قرآن بودن و تبعیت در سنت رسول الله صلی الله علیه و آله است. می‌توان گفت مضامین آن، موضوع امام شناسی و قابل بررسی در مقاله ای به صورت مجزا می‌باشد. بخش دوم قسمت دعایی زیارت است که، "فیزیولوژی، به معنای شاخصه‌های روح سالم انسان" است و بخش سوم "پاتولوژی، به معنای شاخصه‌های روح مریض انسان و راه‌های درمان روح او" می‌باشد. به دلیل بسط شدن کلام در این مقاله، فقط بخش دوم که فیزیولوژیک است را از عبارات و مضامین زیارت امین الله، استخراج می‌کند و بخش پاتولوژی در مقاله‌ای جداگانه ارائه می‌شود.

یافته ها

تعریف مفاهیم

۱. طب

در اصطلاح علم، طب، احوال بدن انسان از جهت سلامتی و بیماری-های عارض به آن نامیده می‌شود و صاحب این علم را طبیب می‌گویند. متخصص روح کسی است که از علم توحید آگاه باشد و بتواند رهروان را راهنمایی و به کمال برساند (۵). و ابن منظور ذیل لغت الطب چنین گفته است: علاج الجسم و النفس، طب: معالجه جسم و روح است (۶).

۲. روحانی

فراهدی در کتاب العین آورده است که الروح یعنی النفس التي يحيا بها البدن (۷). احیاء جمع حی به معنای زنده‌ها، زندگان و احیاء به معنای زنده گردانیدن، زنده کردن، آمده است (۸). همچنین احیاء شب‌زنده‌داری و بیدار ماندن در شب است. این یحیا به معنای زندگی بخشیدن است. کلمه روحانی، از روح و آنی تشکیل شده است که آنی در زبان فارسی پسوند صفت ساز است و دهخدا آن را، آنچه مربوط به روح و روان باشد، مربوط به عالم ملکوت (۸) معنی کرده است. هویت واقعی انسان یعنی آنچه که انسانیت و حقیقت او، وابسته به آن است روح او را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر اگر هویت واقعی انسان، به جسم مادی او می‌بود، باید با مردن و متلاشی شدن جسم، انسان نیز نابود شود. در صورتی که آیات متعدّد قرآن، بر بقای انسان بعد از متلاشی شدن جسم تأکید دارد و دلیل‌های دیگر نیز بر این امر اشاره دارد (۹) که جای طرح آن‌ها در این موضع نمی‌باشد.

۳. طب روحانی

طب روحی عبارت است از علم به کمالات دل‌ها و امراض و شفای آن‌ها؛ و چگونگی حفظ سلامتی و اعتدال جسمی و روحی دل‌ها و

درمان بیماری‌هایی که می‌توانند قلب را آزار دهند. طبیب در اصطلاح آن‌ها شیخی است که طب معنوی می‌داند و در هدایت و به کمال رساندن مردم تواناست. (۱۰)

طب الروحانی یا طب نفسانی نام دیگری است برای علم اخلاق. شباهت اخلاق به طب روحانی به این دلیل است که حکیم مانند طبیب، ابتدا بیماری را می‌شناسد بعد علت و نشانه هر بیماری را تشخیص می‌دهد، سپس به درمان بیماری می‌پردازد. حکما در مرحله پیدایش علت بیماری‌ها بر این عقیده بودند که بدن در نفس و نفس در بدن تأثیر می‌گذارد، و از این رو علت بیماری‌های روحی (نفسانی) دو نوع می‌شود: علت‌های جسمانی، و علت‌های نفسانی. طبیب روحانی باید تشخیص دهد که علل بیماری اخلاقی، جسمانی است یا نفسانی و بعد به درمان مناسب آن پردازد. حکما در مرحله درمان بیماری‌های روحی یا نفسانی نشأت گرفته از علت‌های جسمانی، بر حسب دستورالعمل‌های عام پزشکی سفارش به درمان می‌کردند و در بیماری‌های نشأت گرفته از علت‌های نفسانی با روش‌های خاص. در شیوه عام برای درمان تمام بیماری‌های نفسانی مانند معالجه‌های جاری در بیماری‌های جسمانی مثل انتخاب نوع غذا، دارو، استفاده از پادزهر؛ و اگر نیاز بود جراحی انجام می‌دادند. این روش‌ها عبارت‌اند از: ۱. آگاهی‌دادن، به معنای مطلع ساختن بیمار از قبح ردیلتی که به آن دچار است (مانند شیوه تغذیه) ۲. سرزنش کردن، یعنی شماتت شخص بیمار بخاطر زشتی عمل ناروای حاصل از ردیلت یا بیماری روحی او (مانند شیوه توصیه به استفاده از دارو) ۳. معامله به مثل کردن، یعنی به انگیزه آگاهی او از ردیلتی که ضد بیماری نفسانی (ردیلت) بیمار است، استفاده می‌کردند، مانند شیوه استفاده از پادزهر ۴. کیفر دادن، به معنی روشن ساختن و متنبه کردن بیمار از راه اعمال شدت عمل و رنجاندن او (مانند روش جراحی)؛ اما حکما در شیوه "خاص" برای هر بیماری روحی یا نفسانی خاص، سفارش یا راه مخصوصی داشتند. مثلاً بیماری یا ردیلت «حیرت» را با بهره‌گیری و یادآوری بعضی از قوانین و اصول منطقی مداوا می‌کردند. از نگاه آن‌ها به تعداد بیماری‌های روحی می‌توان راه‌های درمان پیدا کرد. فیزیولوژی در بُعد جسم انسان، دانش بررسی نحوه کارکرد اندام‌های مختلف بدن اوست و برای بُعد روح انسان، شناخت ویژگی‌های سلامت روح و راه‌های حفظ سلامت آن (۱۱).

۴. زیارات و جایگاه آن‌ها

طبیب واقعی خداوند متعال است زیرا حقیقت بیماری و راه درمان را می‌داند (۱۲). زیارت، تشرّف نزد ولی‌ای از اولیای الهی به جهت اکرام و احترام به اوست. زیارت تربت امامان معصوم که همیشه مورد سفارش بوده (۱۳)، مؤثرترین ابزار ابراز محبت و بهترین دست‌آویز تقرّب زائر به حضرت دوست می‌باشد. زیارت، سرمشقی از تربیت یافتگی و سفر به سمت کمال انسانی است؛ و مختصراً چنین می‌توان گفت: ائمه معصومین علیهم السلام، عاشق و معشوق خدا هستند و محبت به معشوق خدا، محبت به خدا است. زیارت تربت پاک اهل بیت تلوّی از این عشق و محبت و شیدایی است (۱۴).

آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است. بدانید تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

در این عبارت زیارت، اطمینان به مقدرات الهی آمده است. پس شاخصه اول روح سالم انسان در ارتباط با خودش، این است که او آرامش خاطر داشته باشد به اندازه‌ای که خدا برای او مصلحت دانسته است. مفهوم آرامش به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان در علوم انسانی مطرح است. این مفهوم در ادبیات ادعیه، اذکار و زیارات اسلامی با کلیدواژه اطمینان مطرح می‌شود. مفهوم اطمینان به عنوان یکی از مهمترین و اساسی ترین مؤلفه‌های یک انسان نرمال و بهنجار به عنوان اولین شاخصه‌ی روح سالم انسان، بیان شده است. وجه تمایز آرامش و اطمینانی که در زیارت مطرح می‌شود با مقوله آرامش مطرح شده در دیگر کتب علوم انسانی همچون روانشناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی در ایجاد ارتباط بین انسان و خداست. در ایجاد این تمایل امام معصوم بین آرامش انسانی و مقوله مقدرات و قدرت الهی ارتباط مستقیم برقرار می‌کند: ﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾ (رعد / ۲۶) خدا روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) وسیع، برای هر کس بخواهد (و مصلحت بداند)، تنگ قرار می‌دهد؛ ولی آنها [کافران] به زندگی دنیا، شاد (و خوشحال) شدند؛ در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت، متاع ناچیزی است بدین معنا که انسان نرمال و بهنجار از لحاظ این زیارت فرديست که در ابعاد فردی و اجتماعی خود، به مقدرات و خواسته‌های الهی آگاهی دارد و آنها را به عنوان یک اصل اساسی در زندگی خود لحاظ می‌کند.

۱-۲. خشنودی و رضایتمندی

در بررسی "راضیه بقضائک"، کلمه راضیه، از ریشه رضی و مرضاء به معنی خشنودی است (19) و راغب در مفردات، رضا العبد عن الله را، بنده از اجرای قضاء و حکم خدا اکراه ندارد و به آن خشنود است، می‌داند (20). قضاء نیز در فرهنگ عمید چنین بیان شده: فلسفه‌ی تقدیر و حکم الهی که در حق مخلوق واقع شود (21). قضاء از سوی خدای تعالی اخص از - قدر - است زیرا قضای خدا فصل و حکم میان تقدیر است. پس - قدر - همان تقدیر و قضاء - قطعیت می‌بخشد و پایان می‌دهد عضی از خاطر نشان کرده‌اند که - قدر - به منزله چیزی است که برای وزن کردن آماده شده است و قضاء به منزله خود کیل است (22)

دعا از بزرگترین درهای عبادت و مأمن از گزندها و محکم‌ترین ابزارهاست برای خواستن خیرات. خدای تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر / ۶۰) یعنی مرا بخوانید تا درخواست شما را اجابت سازم. خبر برتری آن از طریق سنی و شیعه دست به دست وارد شده و آن از واجبات دین است و از نشانه‌های مانیکوکاران و آداب پیامبران و درجات خدا پرستان می‌باشد، و با قضا و راضی بودن به رضای خداوند ناهمخوانی ندارد. (23)

حضور در حرم معصومین همراه با خواندن زیارت نامه‌های مأثور، دارای ظرفیت بالایی است که زائر پاک نهاد و هوشیار به مقام امام را به مرتبه‌ای مرتفع از شناخت می‌رساند و دل و روح او را با آرامشی عمیق پیوند می‌زند. انجام این سفارش عبادی، نتیجه بسیاری در فکر و روان زائر باقی می‌گذارد و به اندازه تشنگی، او را سیراب می‌سازد. تنها زیارتی که پاره قابل توجهی از آن، شامل دعا و مناجات می‌باشد، زیارت امین‌الله است (۱۵).

۵. زیارت امین‌الله

در قسمت دوم زیارت امین‌الله که با "اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي" شروع می‌شود، سیزده فراز وجود دارد که مضامین این فرازها را در دیدگاه طب روحانی انسان در بعد فیزیولوژی روح یعنی همان سلامت روح، می‌توان بررسی، استفاده و بهره‌برداری نمود. در واقع این سیزده فراز، سیزده ویژگی از ویژگی‌های روح سالم انسان را مطرح می‌کند. فیزیولوژی روح در زیارت امین‌الله (شاخص‌های روح سالم انسان) و حفظ صحت روح بر اساس طب روحانی را می‌توان در زیارت امین‌الله بررسی و تبیین نمود. عبارت با اللهم شروع می‌شود که اصل آن یاالله است. حرف ندا از اولش حذف شده، و میم مشدد در آخر جای آن را گرفته است.

بعد از اللهم، عبارت فَاجْعَلْ نَفْسِي آمده که برای همه‌ی این سیزده فراز، انسان از خدا می‌خواهد فَاجْعَلْ "پس قرار بده" برای من این‌ها را؛ یعنی این سیزده دعا را در حق من اجابت کن و این‌ها را عجین نفس من قرار بده. در این جا برای بررسی چگونگی کارکرد طب روحانی، روح را معادل نفس دانسته و از خداوند متعال می‌خواهد که حقیقت وجود و روح را سرشار از این سیزده ویژگی قرار دهد قرار دهد تا نفس و روح در حالت سلامتی قرار بگیرد.

فیزیولوژیک روح سالم انسان در طب روحانی در زیارت امین‌الله به این منظور، طبق مفهوم این سیزده دعا، آنها را به سه بخش تقسیم شده؛ به این صورت که شش فراز به سلامت روح انسان در ارتباط او با خودش، سه فراز به سلامت روح انسان در ارتباط او با خدا و چهار فراز به سلامت روح انسان در ارتباط او با دیگران اشاره شده است.

۱. فیزیولوژی روح سالم انسان در رابطه‌ی انسان با خود

۱-۱. آرامش، آسودگی و خاطر جمعی
برای فهم عبارت "اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ"، واژه‌ی الطمأنينة و الاطمئنان بیان شده السكون بعد الانزعاج (۱۶) یعنی آرامش خاطر و سکون بعد از بیثباتی و اضطراب. همچنین قدر به معنای فرمان، حکم و اندازه کرده‌ی خدای تعالی از حکم است (۸) و نیز قدر یعنی خدا آن را بر مقداری که مصلحت اقتضا می‌کرد قرار داد (۱۷). اطمینان خاطر جمعی بر مبنای یقین اولاً و ثانیاً بر مبنای آرامش خاطر داشتن به دلیل اعتماد به کسی است (۱۸). ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد / ۲۸).

و چه بدیش، بر او اشکار شود. البته که خداوند علّام الغیوب است و چیزی بر او پنهان نیست؛ و این برای شناساندن او به خودش می‌باشد. (26).

آیه ی لِأَلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (عصر / ۳) اگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند، از امام صادق علیه السلام با سلسله روایان و سند نقل کرده است که اسْتَنْتِي أَهْلَ صِفْوَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، حَيْثُ... آمَنُوا بَوْلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ «و تَوَّصُوا بِالْحَقِّ» ذُرِّيَاتِهِمْ وَ مِنْ خَلْقُوا بِالْوَلَايَةِ وَ تَوَّصُوا بِهَا وَ صَبَرُوا عَلَيْهَا (27). خداوند برگزیدگان خالص را که از مخلوقاتش هستند را استثناء کرده، آن‌جا که فرمود: همانا مردم در خسران هستند جز آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند. این را می‌فرماید که آنان کسانی هستند که علاوه بر ایمان به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، یکدیگر را به حق بودن و صبر بر ولایت اهل بیت و اولادش علیهم السلام و هرکسی که سکناش بر ولایت او عین گشته، توصیه کردند. یکی از مهم ترین اصل‌هایی که خداوند بندگان را بر اساس آن آزمایش می‌کند، چگونگی برخورد مردمان با حجت‌های او بر روی زمین است. خداوند صبر بندگان بر این آزمایش مهم که پذیرش ولایت یا عدم پذیرش آن و اطاعت از تمامی او امر خلیفه خدا می‌باشد را بر بندگان خود واجب دانسته است. وقتی که انسان بلا و امتحان را از جانب خداوند بداند، صبر و تحمل برای او راحت می‌شود. طبق آیه ﴿وَلَنْبَلُونَكُمْ بَشِيءًا مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره / ۱۵۵). حتماً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کم شدن در مالها و جانها و میوهها آزمایش می‌کنیم و مژده ده به استقامت کنندگان. نزول را وقتی از جانب خالق حکیم بداند، صبر بر آن برایش بسیار آسان و راحت است. با این شکیبایی، حالت سلامت روح خودش را حفظ می‌کند و اهل جزع و ناسپاسی نمی‌شود. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره / ۱۵۳) ای افرادی که ایمان آورده‌اید از صبر، استقامت و نماز، کمک بگیرید زیرا خداوند با صابران است. پس شاخصه سوم از روح سالم انسان در ارتباط با خود، علاوه بر صبر بر آزمایش‌های ولایت جانشینان خدا، خودنگهداری و حبس نفس بر آزمایش‌های الهی در تمامی شئون زندگی انسان، جاری و ساری می‌باشد. انسانی که می‌خواهد روح سالم داشته باشد، باید از این صبر کمک بگیرد تا به هدف خود برسد.

۱-۴. شکر و سپاسگزاری

برای تبیین "شاکرةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ"، کلمه شاکر، در فواید فرام‌بستانی آورده که شکر الرجل یعنی از آن مرد به خاطر محبت‌هایی که کرده بود سپاسگزاری کرد (28). راغب اصفهانی ذیل این واژه بیان می‌دارد که سه گونه است: ۱- شکر قلبی و آن تصور نعمت است. ۲- شکر زبانی یعنی ثنا و ستایش برش نعمت دهنده. ۳- شکر

رضایت از قضای الهی این است که انسان خیالش راحت است که خداوند بر اساس حکمت و عدالت و همچنین بر اساس مصلحت بنده‌اش، برای یک سری از امور قطعی، حتمی و تعیین شده را مشخص کرده، پس به این که خدا این امور را برایش حتمی کرده راضی است. یعنی تمام این سیزده مورد به ارتباط انسان با خدا اشاره دارد و می‌خواهد این را تقویت کند که انسان، این ویژگی‌های خدا را باور داشته باشد و با رضایت این امور را بپذیرد. پس شاخصه دوم روح سالم انسان در ارتباط با خودش، این است که او به آنچه که خدا برایش قطعیت بخشیده، خشنود است؛ چرا که خدا را حکیم می‌داند و بر این اساس آنچه در پیش چنین انسانی اتفاق می‌افتد، به ویژه اتفاقاتی که از دایره اختیار و تصمیم‌گیری انسان و آن فرد خارج است، تمام آن‌ها را به عنوان یک مقوله الهی و در اختیار مقدرات و قدرت الهی می‌داند. او با آگاهی و علم بدین موضوع خود را در مواجهه با چنین اتفاقات غیر منتظره آماده نگاه می‌دارد. علیرغم ناملايمات و ناخواسته‌های پیش آمده و با تکیه بر خدا باوری و اطمینان به مقدرات و خواسته الهی همچنان آرامش و آسایش را در ابعاد مختلف زندگی خود را حفظ می‌کند. ﴿جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾ (بنه / ۸) در این آیه هم بیان شده که پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می‌مانند هم خدا از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنودند؛ و این مقام والا برای کسی است که از پروردگارش بترسد و بخواهد که روحش در سلامت قرار داشته باشد.

۱-۳. صبر و شکیبایی

در عبارت "صَابِرَةٌ عَلَى نَزُولِ بَلَاءِكَ"، صبر به معنای شکیبایی، شکیبایی کردن و نقیض جزع آمده است (۸). علاوه بر معنای شکیبایی، در فرهنگ عمید آمده که صبر، گیاهی‌ست با برگ‌های دراز و ضخیم و تیغ دار با گل‌های زرد رنگ که شیرابه‌ای زرد و تلخ داشته و مصرف دارویی دارد (24). نگارنده این گونه فهمیده که گویا تحمل کردن و شکیبایی، مانند خوردن این گیاه تلخ است؛ و صابر باید تلخی صبر را برای مداوای جانش بنوشد. طریخی نیز ذیل واژه ی صبر آورده است که هو حبس النفس عن إظهار الجزع و بیان کرده که برخی از علما بیان می‌دارند که الصبر حبس النفس علی المکره امتثالاً لأمر الله تعالی، و هو من أفضل الأعمال. صبر نگه داشتن نفس از اظهار و نشان دادن اضطراب است؛ که انسان در آنچه که ناپسند و مکروه می‌داند در عین کراهت، خود را مطیع امر الهی کند و این از بهترین کارهاست (25). دهخدا بلا را آزمودن چیزی و دریافتن حقیقت آن و کشف نمودن آن می‌داند، چه آزمودن به نعمت باشد چه به محنت و سختی (8). همچنین راغب اصفهانی ذیل بیان واژه ی بلا، بیان می‌دارد که وقتی که گفته می‌شود- ابتلی فلان کذا و ابتلاه- این ابتلاء به این معناست که با این آزمایش خدا، او خودش را بشناسد و بر آنچه از احوال خود آگاه نیست، چه خوبی

این‌گونه راه کار می‌دهد که باید برای دیدار، اشتیاق همراه با شادی داشته باشد. زمانی اشتیاق داشتن به چیزی سبب خوشحالی می‌شود و شادی حقیقی است که این اشتیاق به خداوند متصل باشد، او که زیبای مطلق و بی‌انتهاست. ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ ﴿۱۱۰﴾ (آری) در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است و به پروردگارش می‌نگرد. شاخصه پنجم روح سالم انسان در ارتباط با خودش، این است که دلتنگ و مایل به شادی عمیق برای روبرو شدن با خدا باشد. ﴿... إِنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کَهِف / ۱۱۰). تنها معبودتان معبود یگانه است. پس هر کس به دیدار پروردگارش امید دارد، باید کاری پسندیده انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند. پس باید کسی که اشتیاق به شادی وصال یار دارد، اهل ایمان و عمل صالح باشد.

۱-۶. زاد و توشه برداری

در بررسی فراز "مُتَزَوِّدَةُ التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ"، کلمه مُتَزَوِّدَةُ، از تَزَوَّدَ - تَزَوَّدُوا، از ریشه ی زود به معنای توشه گرفت، به آن چیز خود را مجهز کرد، آنچه که ضروری و سودمند بود برای خود گرفت (۳۸). تَقْوَى اسم است از اتقاء و هر دو به معنی خود محفوظ داشتن و پرهیز کردن است (۳۹). راغب اصفهانی آورده است که وَقَايَةُ نگه‌داشتن چیزی است که زیان و ضرر می‌رساند (۴۰). بیان شده که ثواب و عقوبت چیزی (۴۱). قرشی نیز آورده که پاداش و کیفر را جزاء گوئیم زیرا مقابل عمل است و از جهت برابری کفایت می‌کند. همچنین در قرآن مجید جزاء هم در پاداش و هم در کیفر و عذاب، برای هردو آمده است. پس منظور از لِيَوْمِ جَزَائِكَ، برای روز حسابرسی و دریافت نتیجه ی اعمال افراد می‌باشد (۴۲).

راه کسب سلامت روح انسان را مهیا نمودن توشه برای آخرت معرفی می‌کند که طبق آیه ی قرآن ﴿... وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (بقره / ۱۹۷) آنچه از کارهای پسندیده انجام می‌دهید خدا آن را می‌داند. توشه و ذخیره تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است. از من بهره‌یید ای خردمندان. خداوند متعال در این آیه بیان می‌دارد که آنچه را از نیکی و خیر انجام دهید من می‌دانم. توصیه می‌کند که توشه بگیرید که بهترین توشه‌ها، پرهیزکاری است. در معنای این جمله دو قول است ۱- خطاب متوجه به مردمی است که خود را بنام صاحبان توکل به خدا شناسانده و توشه و ذخیره‌ای نداشتند و می‌گویند شما باید برای خود غذا و توشه ذخیره کنید و زحمت خودتان را به دوش دیگران نیندازید ولی بدانید که بهترین توشه‌ها تقوی و پرهیزکاری است این را حسن- قناده و مجاهد نقل می‌کنند. ۲- از اعمال صالح و کارهای خوب توشه بردارید که بهترین توشه‌ها تقوی است. ذکر این جمله پس از بیان احکام حج برای بیان این مطلب است که موقعیت حج بهترین وقتی است که در آن باید اعمال نیک انجام داده و از آن‌ها توشه گرفت. ای صاحبان عقل و بصیرت در آنچه امر نموده یا نهی کرده‌ام پرهیزکاری کنید (۴۳). ﴿... لِمَنْ

سایر اعضا. بدن یعنی پاداش نعمت دادن به اندازه استحقاق و شایستگی‌اش. همچنین نقطه مقابل شکر را، کفر یعنی فراموشی نعمت و پوشیده داشتن آن می‌داند (29). در توضیح فضل، مَنْ، إِنْعَام، إِحْسَان، بَرٌّ، رَفْدٌ، صَفْدٌ، إِفْضَالٌ، مَنَّةٌ، اِمْتِنَانٌ، كَرَامَةٌ، حَبَاءٌ، نَعْمَاءٌ، آلاءٌ، آيَادٌ آورده شده است (30) و نیز فَوَاضِلٌ، را مقام بلند و برجسته در فضیلت، بخشش و نعمت، می‌داند (31). قرشی فضل را به دو معنای ۱- برتری ۲- عطیه، احسان، رحمت و هر دو از مصادیق معنای اولی است، آورده است و همچنین بیان می‌دارد که نعمه را به جهت مطلوب و دلچسب بودن نعمت گفته‌اند (32). ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ لَوْ لَمْ يَكُنْ لَكَ شُكْرٌ لَآزِيدَنَّ كُفْرًا وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم / ۷) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت که اگر شکرگزاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود همچنین روح شما را وسعت می‌دهم ولی اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. نعمت‌های والایی را که خداوند به بنده‌اش بخشیده است و به او احسان کرده برای این بوده تا او از این نعمات در مسیری که خود منعم، یعنی صاحب نعمت به او ارزانی داشته، استفاده کند و هدف داشتن نعمت مشخص شود؛ این معنای شکر است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (بقره / ۱۷۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می‌کنید پس شاخصه چهارم روح سالم انسان در ارتباط با خودش، این است که او شاکر نعمات الهی باشد، همچنین نعمات الهی را در مسیر بندگی مصرف کرده و با این شکر، روح خود را در حالت تعادل و سلامتی قرار دهد. هم شاکر نعمت‌های ظاهر و هم در نعمت‌های پنهان که ذیل شاخصه ی دوم از رابطه ی انسان با خدا به آن خواهیم پرداخت.

۱-۵. شوق دیدار و وصال یار

در توضیح عبارت "مُشْتَاقَةٌ إِلَى فَرَحَةٍ لِقَائِكَ" کلمه مُشْتَاقٌ، در فیومی شوق را میل به چیزی که نفس برای آن تلاش می‌کند، می‌داند. پس وقتی گفته می‌شود به او اشتیاق دارم یعنی من دلتنگ او هستم (۳۳). فَرَحٌ نیز در مقابل غم بیان شده (34) و می‌توان گفت که فرح، باز شدن دل است که به‌واسطه خوشی و لذت حاصل شود، و آن بیشتر در لذات دنیوی باشد، و به همین جهت خداوند در آیات مختلف قرآن در جایگاه‌های مختلف فرموده ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ﴾ (قصص / ۷۶) خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد. در خوشی و لذت اجازه داده نشده، مگر در قوله: «فَبَدَّلَ فَلَيْفَرْحُوا»، «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ»، و مفرح، به کسی گفته می‌شود که بسیار خوشحال و شادمان است، و مفرح و مفروح، به چیزی گفته می‌شود که شادی‌آور و مسرت‌بخش است (۳۵). اما در این جا چون فرح در کنار لقاء الله آمده معنای پسندیده دارد که همان شادی و نشاط حقیقی می‌باشد. باید خاطر نشان کرد که لقا به معنای مقابله و روبرو شدن بیان شده (36). در لقاء به پیشباز رفتن یا استقبال نمودن معنا شده است (37). امام برای داشتن یک روح سالم

اتَّقَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنكُم لِيَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ (بقره / ۲۰۳) برای کسی که تقوا پیشه کند و از خدا بپرهیزد و بداند شما به سوی او محشور خواهید شد و برای آن روز محشر به زاد و توشه نیاز خواهد بود. پس می‌توان گفت ویژگی ششم انسان، در رابطه با خود، که دارای روح سالم است، توشه برداری از آنچه در روز دریافت پاداش و عذاب برای او ضروری و سودمند باشد، است و خود را برای آن روز آماده سازد.

۲. فیزیولوژی روح سالم انسان در رابطه ی انسان با خدا

۱-۲. دلستگی به خدا

در عبارت "مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دَعَائِكَ"، برای فهم کلمه مَوْلَعَهُ، که ریشه ی آن ولع می‌باشد، آمده است که يُولَعُ، يَلَعُ، وَلَعًا؛ وَلَوْعًا به به معنای او را دوست داشت و به او دلستگی شدید پیدا کرد (44). ذکر به معنای یاد کردن، خواه با زبان باشد یا با قلب و هر دو خواه بعد از نسیان یا از ادامه ذکر باشد، است (45). دعا به معنای او را صدا زد، بسوی او تمایل نمود، از او کمک خواست (46). در منظومه فکری امام روح سالم انسان شاخص دیگری دارد که آن دلستگی به یاد خداست. وقتی که انسان به خود خدا دل بسته باشد دائماً با یادش و درخواست از او، حالت تعادل روحی خود را حفظ کرده و خود را از آفات و بیماری های روحی در امان می‌دارد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (احزاب / ۴۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید چرا که با درخواست حوائج از خدا و یاد او، این حریص بودن و مشتاق بودن به الله، روح انسان سالم می‌شود و به اصل خود باز می‌گردد و هدف از آن چه که برایش خلق شده یعنی عبودیت، بندگی و معرفت الهی را یادآور می‌شود. آن‌ها به درخواست از مردم احتیاجی ندارند و عزت‌مندانه در کنار آن‌ها زندگی می‌کنند، بی‌آنکه به دارایی آن‌ها چشم بدوزند (47). شاخصه اول روح سالم انسان در ارتباط با خدا، این است که او حریص و مشتاق به ذکر و یاد خدا باشد و در زندگیش مدام، دل‌بسته و شیدای خالق مهربانش بماند. ﴿قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ...﴾ (فرقان / ۷۷) خداوند به پیامبرش می‌فرماید که به مردم بگو: پروردگرم برای شما ارزشی قائل نیست اگر دعای شما نباشد و این اشتیاق و دلستگی به دعا و درخواست از خداست، که او را دائماً امیدوار و سالم نگه می‌دارد.

۲-۲. یادآوری نعمت های الهی

در بیان عبارت "ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ الْآلَائِك"، کلمه ذاکر، آورده شده که اَي طَوِيلَةٌ وَ سَبَّغَتْ النِّعْمَةَ (سَبَّغًا) (اتَّسَعَتْ) بلند و گشاد شود. در اصل به معنای پیراهن یا زره گشاد و وسیع و کامل است، سپس به نعمت گسترده و فراوان نیز اطلاق شده است (48). در نهج البلاغه (للصبحی صالح) نیز آمده که اَسْبَغَ عَلَيْهِ الرِّزْقَ یعنی به رزق او وسعت داده است (49). فیروزآبادی ذیل واژه ی آلاء، گفته است که الآلاءُ به معنای النِّعَم است. او دو واژه ی آلاء و نعمت‌ها را مترادف می‌داند (50). همچنین خزائلی بیان می‌دارد که آلاء مخفف «آلاء» به معنی نعمت‌ها است (51). همچنین در آیه ی قرآن که بیان شده «أُولَى

النِّعْمَةِ» (مزمّل / ۱۱) آسایش و نعمت دنیا را داشتن است. نعماء با فتح، نعمت‌های باطنی بوده و «آلاء»، نعمت‌های ظاهری است (52). آیات متعدد قرآن به این مهم اشاره می‌کنند ﴿فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾ (اعراف / ۶۹) پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید پس می‌توان گفت که شاخصه دوم روح سالم انسان در ارتباط با خدا، این است که او دائماً یادآور نعمت‌های وسیعی که خدا به او ارزانی داشته است، می‌باشد. ﴿وَ أَنَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِن تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَلْبُومٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم / ۳۴) از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد و اگر نعمت‌های خدا را شمارش کنید، هرگز نمی‌توانید آن‌ها را بشمارید. همانا انسان، ستمگر و ناسپاس است. امام با بیان این عبارت، وقتی که از کلمه ذاکر یعنی یاد کننده، در کنار آلاء که نعمت‌ها هستند می‌آورد، شاخص دیگری از روح سالم انسان را بیان می‌کنند. یادآور شدن نعمت‌های خداوند، انسان را از ناامیدی و ناشکری در امان می‌دارد و او با ذاکر بودن نعمت‌های خدا شاد و سعادتمند می‌شود. آیه ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ أَشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُون﴾ (بقره / ۱۵۲) پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم و شکر مرا گوید و در برابر نعمت‌هایم کفران نکنید. به همین مهم اشاره دارد؛ چرا که انسان با فراموش کردن نعمت‌های خدا، در واقع دارد آن‌ها را می‌پوشاند و منعم را از خاطر می‌برد، همین باعث می‌شود که روحش بیمار شده و از حالت سلامتی خارج شود.

۳-۲. سرگرمی و مشغول بودن به غیر دنیا

در توضیح عبارت "مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ"، فیومی بیان داشته است که شَغْلُهُ به معنای الأَمْر یعنی کار می‌باشد (53). و همچنین آمده که شغل به معنای سرگرم کار بودن است (54). پس مشغوله اسم مفعول به معنای سرگرم شده و درگیر کاری بودن است. در فرهنگ ابجدی واژه دُنْيَا ج دُنَى [دنوا] است که اسم تفضیل از الدُنَى می‌باشد به معنای خوارتر، نزدیک‌تر (55). همچنین راغب دنیا را در مقابل آخرت آورده است (56). در آیه ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فِتْرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ﴾ (حدید / ۲۰) آگاه باشید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و زیاده‌خواهی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زرد رنگ می‌بینی؛ سپس تبدیل به کاه می‌شود و در قیامت، عذاب شدید است یا غفران و رضای الهی؛ به هر حال زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست. راغب حمد را اخص از مدح و از آن والاتر می‌داند و حمد به معنای ستایش و ثنا گوئی است. حمد ستایش و تشکر است و ثنا، مدح گوئی و ذکر اوصاف الهی است. «كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَصْيَافًا» (57) در دنیا خود را مهمان بدانید. به این صورت که مهمان اعتناء و دلستگی به وسایل و لوازم زندگی صاحب‌خانه

در فراز "مُسْتَنَّةٌ بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ" برای فهم واژه ی سنن، راغب آورده است که سَنَنِ الطَّرِيقِ به معنای از راه‌های مستقیم آن دور شد. سُنَّه و سَنَنَه به معنای راه و روش‌های آن، پس سَنَنِ جَمْعُ سَنَةٍ است و سَنَةٌ الوَجْهَ یعنی طریقت و روش آن. مستننه نیز به معنای پیرو راه و روش می‌باشد. وَلَاءٌ و تَوَالِي یعنی دوستی و صمیمیت که این معنی یعنی دوستی برای نزدیکی، مکانی، نسبی، دینی، بخشش و یاری کردن و اعتقاد و ایمان به کار می‌رود (62). وَلَايَةٌ با کسره حرف (و) به معنای یاری کردن است ولی وَلَايَةٌ با فتحه حرف (و) نیز به معنای سرپرستی است و نیز گفته شده هر دو واژه حقیقتش همان سرپرستی است که کاری را به عهده بگیرند. وَلِيٌّ و مَوْلَى در آن معنی بکار می‌رود که هر دو در معنی اسم فاعل هستند. در مورد شخص با ایمان می‌گویند- وَلِيٌّ اللّٰه- خدا دوست می‌گویند خدای تعالی وَلِيٌّ و مولای مؤمنین است. اَوْلِيَاءُ جَمْعُ وَلِيٍّ به معنای سرپرستی که هم سرپرستی او از سر دوستی، محبت و صمیمیت است و هم پیروان این سرپرست، نسبت به سرپرست خود، دوستی و صمیمیت را دارند. در آیه إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده / ۵۵) علامه طبرسی بیان می‌دارد که این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است، هنگامی که سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد ولی کسی چیزی به او نداد، در همین حال علی (ع) که در حال رکوع بود با انگشت کوچک دست راست خود اشاره کرد، سائل نزدیک آمد و انگشتش را از دست آن حضرت بیرون آورد. این حدیث طولانی است و [ابو اسحاق] تعلیمی آن را در تفسیرش بیان کرده است. در قسمتی از این روایت آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: پروردگارا سینه مرا را بگشای، کارم را آسان فرما و علی را که از خویشان من است، وزیر من گردان و پشت مرا به او محکم کن. ابو ذر گفت: به خدا سوگند، هنوز سخن پیامبر ﷺ تمام نشده بود که جبرئیل از طرف خدا نازل شد و گفت: ای محمد بخوان این آیه را که إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ ... و معنای آیه این است کسی که بر مصالح شما ولایت دارد و تدبیر کار شما را می‌کند، خدا و پیامبر و کسانی هستند که خصوصیاتشان اینها است (63). جار الله زمخشری در کشف آورده است گرچه زکات‌دهنده در حال رکوع، علی (ع) و یک نفر بوده است ولی واژه الذین به صورت جمع آورده شده تا مردم برای انجام دادن نظیر عمل آن حضرت، ترغیب شوند (۶۴) و توجه کنند به این که اخلاق و سرشت مؤمنان ایجاب می‌کند آنان در این حد، خواهان احسان و نیکی به فقرا و نیازمندان باشند (65).

پس شاخصه دوم روح سالم انسان در ارتباط با دیگران، این است که باید اول خوبان و نیکان و اهل پیرو راه و روش دوستان خدا که سرپرستی مومنین را همراه با دلسوزی و دوستی بر عهده دارند، باشد و صمیمیت و محبت آن‌ها را در دل داشته باشد و سبک زندگی او، بر اساس سنت و سیره این نیکان و خوبان منطبق شود. ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ (نساء / ۸۰) کسی که از پیامبر اطاعت کند،

ندارد به همان شکل با دنیا برخورد کند. علاج دنیا دوستی، مقداری تفکر و توجه به پایان زندگی است که دنیا پل عبور بیش نیست و همه در آن مهمان هستیم و باید به صاحب خانه و کسی که میهمانی را راه انداخته توجه کند نه فقط مشغول خوردن و بهره مندی از سفره شود (58). بنده با یاد و ستایش دائمی خدا و این که ستایشگر صفات متعالی الهی است، تمام زندگیش مشغول به این امر است و در طول شبانه روز سرگرمی او، یاد خداست و دائما خدا را ستایش می‌کند. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...﴾ (انعام / ۱) و از غیر خدا فارغ است. پس می‌توان گفت که شاخصه سوم روح سالم انسان در ارتباط با خدا، این است که به ستایش و مدح الهی در دنیا سرگرم و مشغول و به جای اشتغال به امور خوار دنیا، دائما به حمد و مدح الهی مشغول است.

۳. فیزیولوژی روح سالم انسان در رابطه ی انسان با دیگران

۱-۳. دوستدار خوبان و نیکان

برای فهم در عبارت مُحِبَّةٌ لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، در بیان مفهوم مُحِبَّةٌ آمده که تَحَبُّبٌ إِلَيْهِ یعنی تَوَدُّدٌ و هَمَجْنَتَيْنِ امْرَأَةً مُحِبَّةً لِرَوْحِهَا و مُحِبٌّ أَيْضًا (59). او را دوست داشتن و دوست داشتنی بودن و زن دوست داشتنی ست برای شوهرش و معشوقه او نیز می‌باشد. در توضیح واژه ی صَفْوَةٌ این گونه شرح داده شده که الصَّفْوَةُ نَقِيضُ الكَدْرِ، و صَفْوَةٌ كُلُّ شَيْءٍ خَالِصَةٍ وَ خَيْرَةٍ (60). واژه الصفو مخالف کدری و سیاهی است و صفوه هر چیزی پاک، بهتر و خالص آن است. برای توضیح واژه ی اولیا در کتاب المیزان آمده است که شخصی از امام امیرالمؤمنین معنای آیه ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (یونس / ۶۲) را پرسید و عرضه داشت: اولیاء الله چه کسانی هستند؟ امام فرمود: اولیای خدا مردمانی هستند که عبادت را خالص برای خدا به جا آورند و به باطن دنیا نگاه نکنند، در حالی که سایر مردم فقط ظاهر آن را می‌بینند، اولیای خدا آثار دیررس زندگی را شناختند در حالی که سایر مردم مغرور به نشانه‌های زودرس آن شدند و به دنبال این شناخت، دوستان خدا این را فهمیدند که به زودی دنیا را ترک خواهند کرد، پس از دنیا، آنچه را که فهمیدند به زودی مایه مرگ و هلاکت آنان خواهد شد، از نظر انداخته و تحت تاثیر آن قرار نگیرند (61).

از نگاه امام، فردی در سلامت روحی به سر می‌برد که محبتش و آن چیزهایی که دوست داشتنی است با دوست داشتنی های خدا همسان باشد. اول خدا راس محبوب‌های اوست و علاقه ی شدید به خالق یکتا دارد. ﴿... وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...﴾ (بقره / ۱۶۵) طبق همین محبتش به خدا و برگزیدگان او که اولیا الله هستند، محبوب دل انسان سالم است. پس شاخصه اول روح سالم انسان در ارتباط با دیگران، این است که باید محبت قلبی برگزیدگان و پاکترین دوستان خدا که پیامبر ﷺ و اهل بیتشان هستند، را داشته باشد. به این معنا که در تمامی اعمال و رفتار او این محبت به اولیاء خدا پدیدار باشد.

۲-۳. پیروی سیره خوبان و نیکان

خدا را اطاعت کرده، این گونه با محبتی که از اولیاء الله در دل دارد، با اطاعت خدا و روحش را به مقصود خلقتش می‌رساند.

۳-۳. خوشنامی، نیک سرشتی و دوست داشتنی در تبیین عبارت "مَحْبُوبَةٌ فِي أَرْضِكَ وَسَمَانِكَ" کلمه مَحْبُوبٌ، حُبُّ به معنای وداد، مِلٌّ، مَحَبَّةٌ، مَوَدَّةٌ، هَيَامٌ، غَرَامٌ، هَوَى، وَدٌّ، إِخَاءَةٌ، إِعْرَازٌ آمده است (66). حُب و ود را می‌توان مکمل هم دانست. در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ (مریم / 96) این ایمان راسخ و عمل به آنچه که خداوند دستور داده، سبب این می‌شود که خدا محبتی از این افراد را در قلب‌ها قرار می‌دهد. طبرسی ذیل این آیه بیان داشته است که ابن عباس گوید: این آیه مخصوص علی (ع) است، زیرا هیچ مؤمنی نیست که محبت علی در دل نداشته باشد. در تفسیر ابو حمزه ثمالی آمده است که پیامبر به علی فرمود: بگو: خدایا برای من نزد خویش عهدی قرار ده و محبت مرا در دل مؤمنین بینداز. علی به دستور پیامبر دعا کرد و این آیه نازل گردید. نظیر همین روایت، از جابر بن عبد الله انصاری نیز نقل شده است. و این که این آیه شامل تمام مؤمنین می‌شود. خداوند محبت آنها را در دل مردم صالح قرار می‌دهد. هرم بن حبان گوید: هر کس دل خود را متوجه خدا کند، خدا هم دل‌های مؤمنین را متوجه او می‌سازد و دوستی او را در دل ایشان قرار می‌دهد. ربیع بن انس گوید: خدا هر گاه بنده‌ای را دوست بدارد، جبرئیل گوید: من فلان کس را دوست می‌دارم. تو هم او را دوست بدار. جبرئیل در آسمان ندا می‌کند که خداوند فلان کس را دوست می‌دارد. همه اهل آسمان نیز با او دوست می‌شوند. آن گاه محبت او در میان اهل زمین نیز منتشر می‌شود. پس معنای آیه این است که خداوند آنها را دوست می‌دارد و محبت آنها را در دل مردم می‌اندازد. یعنی خداوند، محبت آنها را در دل مخالفانشان قرار می‌دهد که ایمان بیاورند و قدرت آنها افزایش پیدا کند. محبت آنها را در دل یکدیگر قرار می‌دهد تا یکدیگر را دوست بدارند و پشتیبان یکدیگر باشند و همچون دستی واحد، در مقابل دشمن، به نبرد خیزند. همچنین جبائی گوید: در آخرت، محبت آنها را در دل یکدیگر قرار می‌دهد تا همچون پدر و فرزند یکدیگر را دوست بدارند. این خود بالاترین شادی و بزرگترین نعمت است (67).

آدمی اگر جهد کند تا به پاکی و حقیقت بندگی برسد، نگار خدا می‌شود و از سوی دیگر محبوب تمام هستی می‌شود. ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ (توبه / 108) امکان ندارد انسان محبوب خداوند باشد و نظام خلقت در بندگی او نباشد. نگار حق در همه عرصه‌ها فیروز و پیروز است و هیچ عاملی توانایی انحطاط او را ندارد. پاکی همه جانبه و مخصوصا پاکی باطن از آن چنان اهمیتی برخوردار است که باعث نائل شدن انسان به حقیقت آیه‌های قرآن کریم و علوم الهیه و باطن کتاب الهی است ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه / 79). جز پاک شدگان از هر ناپاکی به حقیقت و رازها و لطایف قرآن دسترسی ندارند. به همه ما دستور داده‌اند که به قدر توان و طاقت خود از رازهای عبادات و طهارت روح باخبر شوید و به آنها عمل

کنید، وضو، نماز، روزه، حج و دیگر تکالیف از احکام واجب خداوند است و هر یک را رازها و حکمت‌هایی است که با یادگیری آنها و عمل به ارکانشان، پاکی دل به دست می‌آید و گل آزادی از دیار وجود انسان می‌شکند (68). انسان با این اعمال، به هدف تشریح آنها که بندگی و پاکی درون است، می‌رسد. پس شاخصه اول روح سالم انسان در ارتباط با دیگران، ایجاد محبیت برای اهل آسمانها و زمین است به این معنا که تمامی اعمال و رفتار او به گونه ای باشد که سبب جلب و جذب محبت اهل آسمان و زمین باشد. خداوند متعال سرشار از عشق و محبت نامتناهی ست. همه باشندگان خانهٔ صنع و ذرات ساحت کائنات را از جوهره محبت ساخته است و شالوده شفقت و هزینه کردن محبت را برای همگان مهیا کرده است. بر این مبنا انسان می‌تواند با انجام شرایط لازم، محبت خدا و تمام موجودات را به خود جلب نماید و محبوب تمام موجودات شود، همان گونه که امام زین العابدین علیه السلام این حقیقت را برای سلامت روح انسان در زیارت امین الله از آستان حضرت حق تعالی طلب کرده است که خدایا مرا در بین تمام اهل زمین و تمام اهل آسمان‌هایت محبوب بگردان. اما با یک دنیا ناراحتی، عده زیادی از مردم با ناپاک نمودن خود به اعمال ناپسند و کردارهای ناشایسته و پستی‌های اخلاقی و در یک کلام با سنگدلی و بی‌مهری به خود و بی‌محبتی به دین خدا و بی‌مهری به سایرین، سد رسیدن محبت و رحمت خدا و محبت و عاطفه و عشق و لطف موجودات به خود شدند (69).

۳-۴. پرهیز از خوی بدان و بدسرشتان برای درک عبارت "مُفَارَقَةٌ لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ" بستانی این گونه بیان می‌دارد که فرق به معنای قطعه و تکه‌ای جدا شده، و از این معنی است که واژه‌ی فِرْقَةٌ در مورد جمعیت و گروهی که از دیگر مردمان جدا و بریده شده‌اند، به کار می‌رود (70). أَخْلَاقٌ نیز جمع خلق است که در کتاب القاموس المحيط آمده که الْخَلْقُ، بِالضَّمِّ وَ بَضْمَتَيْنِ به معنای السَّجِيَّةُ وَ الطَّيْعُ، وَ الْمُرُوَّةُ یعنی طبیعت او را شامل می‌شود (71). همچنین می‌توان گفت عَادَةٌ، دَابٌّ، طَرِيقَةٌ، طَبْعٌ یعنی خلق به معنای سنجیه است که خود سنجیه را عادت، روش، طبیعت معنا کرده اند و در فرهنگ ابجدی نیز خلق، به معنای خوی، طبع آمده است. ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم / 4) این که خداوند به پیامبرش خطاب می‌کند تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری، به همین سجایای والای اخلاقی رسول الله اشاره دارد، که او با این اخلاق حسنه، از تمام بیماری‌های روحی در امان است.

در واقع خلق، ملکه‌ی نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن، از انسان صادر می‌شود. خواه آن فعل پسندیده باشد یا ناپسند و همچنین صورت باطنی انسان است که سیرت و سرشت نامیده می‌شود. اَعْدَاءٌ نیز جمع عداوت است که به معنای دشمن، این کلمه ضد (الصَّدِيقُ وَ الْوَلِيُّ) است (72). ﴿وَ يَوْمَ يُحْشِرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ (فصلت / 89) به خاطر بیاورید روزی را که دشمنان خدا را جمع کرده به سوی دوزخ

انسان در ارتباط او با خودش این شش ویژگی: آرامش؛ آسودگی و خاطر جمعی، خشنودی و رضایت، صبر و شکیبایی، شکر و سپاسگزاری، شوق دیدار و وصال یار و زاد و توشه برداری استخراج شده است. همچنین در ارتباط او با خدا سه ویژگی: دلبستگی به خدا، یادآوری نعمت های الهی و سرگرمی و مشغول شدن به غیر دنیا و در ارتباط با دیگران چهار ویژگی: دوستدار خوبان و نیکان، پیرو سیره خوبان و نیکان، خوشنامی، نیک سرشتی و دوست داشتنی شدن؛ و پرهیز از خوی بدان و بدسرشتان شاخصه های روح سالم انسان می باشند. در این سیزده دعا امام معصوم از خداوند تقاضا می- دارد که برای سلامت روح، این ویژگی ها را به اجابت برساند و با متصف شدن به این خصلت ها، صحت روح خود را با کمک خالقش حفظ کرده و از بیماری ها که از عدم وجود این ویژگی ها ناشی می شود، در امان بماند. در واقع در اینجا روح را معادل نفس دانسته و از خداوند متعال می خواهد که حقیقت وجود و روح او را سرشار از این سیزده ویژگی قرار دهد تا نفس و روح انسان در حالت سلامتی قرار بگیرد.

می برند، و صفوف پیشین را نگه می دارند تا صفهای بعد به آنها ملحق شوند. پس شاخصه دوم روح سالم انسان در ارتباط با دیگران، جداسدن از عادات و اخلاق دشمنان الهی است چرا که روح دشمنان الهی مریض است و انسان اگر بخواهد روح سالم داشته باشد، باید از این اخلاق ها و عادات، خودش را فارق کند. امام برای سلامت روحی یک انسان، جدا بودن از رفتار و خوی بدان و بد سرشتان را، که همان دشمنان خداوند هستند، لازم و ضروری می داند. یعنی انسان باید از هر آنچه دشمنان الهی و بدخویان انجام می دهند دور کنند، که بسیاری از این اخلاق ها در آیات کریمه ی قرآن و روایات شریفه مطرح شده است.

نتیجه گیری

در این مقاله، به بررسی قسمت دعایی زیارت امین الله که فیزیولوژیک طب روحانی "ویژگی های روح سالم انسان" را بیان می دارد، پرداخته شده است. این دعا که با "اللهم فاجعل نفسي" شروع می شود، سیزده فراز دارند که مضامین آنها، سیزده خصوصیت از ویژگی های روح سالم انسان را مطرح می کند. به این منظور برای فهم بهتر، طبق مفهوم این سیزده دعا، آنها به سه بخش تقسیم شده اند: به این صورت که ویژگی های سلامت روح

References

Quran

1. Majlisi, Mohammad Baqir, (1403 AH), Baharalanvar Al-Jame'a in Al-Akhbar Al- Imam Al-Tahar, Beirut: Al-Wafa Foundation.
2. Motahari, Morteza, (2011), Collection of works, Tehran: Sadra
3. Motahari, Morteza, collection of works of Master Shahid Motahari, volume: 22, page: 937, Sadra, Tehran - Iran, 1376 AH.
4. Naraghi, Mulla Ahmed, Mi'raj al-Saadah, page 61, Promised Islam, Qom, 1385 AH.
5. Tahanavi, Muhammad Ali - Translator: George Zinati, Kashf Al-Funun and Al-Uloom Terms, 2 volumes, Lebanese Library Publishers - Beirut, Edition: 1, 1996 AD.
6. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, 15 volumes, Dar Sadir - Beirut, 3rd edition, 1414 A.H. vol 6 page 553
7. 6. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, 15 volumes, Dar Sadir - Beirut, 3rd edition, 1414 A.H. vol 6 page 322
8. Dehkhoda, Ali Akbar, (1377), Dehkhoda Dictionary, Tehran, University of Tehran.
9. Rajabi, Mahmoud, Anthropology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Edition: 1, 2010, pages 56 and 57.
10. Tahanavi, Muhammad Ali - Translator: George Zinati, Kashf Al-Funun and Al-Uloom Terms, 2 volumes, Lebanese Library Publishers - Beirut, Edition: 1, 1996 AD. Page 11 – 24
11. https://wikijoo.ir/index.php?title=Al-Tebb_al-Rouhani
12. Torayhi, Fakhr al-Din bin Muhammad, Majma Al Bahrain, 6 volumes, Mortazavi - Tehran, 3rd edition, 1375 AH. Vol 2 page 108
13. Majlisi, Mohammad Baqir, (1403 AH), Baharalanvar Al-Jame'a in Al-Akhbar Al- Imam Al-Tahar, Beirut: Al-Wafa Foundation.
14. Javadi Amoli, Abdullah, (1378), Sehbai Hajj, Qom, Esra 'Publishing

15. Sajjadipour, H, Analysis of the areas of education and mental health in Ziarat Aminullah, Scientific research Islamic Lifestyle Quarterly with a focus on health , 1400 AH. Period 6 No: 2 page 161 - 168
16. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 524
17. Qorshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, 7 volumes, Dar Kitub Al-Islamiya - Tehran, 6th edition, 1371 AH. Vol 2 page 243
18. Hasan Omid, supervisor author and editor: Farhad Gurbanzadeh, publisher: Ashja, first edition: 2009 page 126
19. Qorshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, 7 volumes, Dar Kitub Al-Islamiya - Tehran, 6th edition, 1371 AH. Vol 4 page 158
20. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 674
21. Hasan Omid, supervisor author and editor: Farhad Gurbanzadeh, publisher: Ashja, first edition: 2009 page 744
22. Hasan Omid, supervisor author and editor: Farhad Gurbanzadeh, publisher: Ashja, first edition: 2009 page 644
23. Ali ibn al-Husayn, the fourth Imam, peace be upon him, al-Sahifah al-Sajadiya / translated and explained by Faiz al-Islam - Tehran, second edition, 1376. Page 27
24. Amid Hasan supervisor author and editor: Farhad Gurbanzadeh, publisher: Ashja, first edition: 2009 page 744
25. Torayhi, Fakhr al-Din bin Muhammad, Majma Al Bahrain, 6 volumes, Mortazavi - Tehran, 3rd edition, 1375 AH. Vol 3 page 358
26. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 146
27. Howeizi, Abdul Ali bin Jume, Tafsir Noor al-Saqalain, 5 volumes, Ismailian - Iran - Qom, edition: 4, 1415 A.H. page 667
28. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 512
29. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 256
30. Ismail Sini, Mahmoud, al-Muknz al-Arabi al-Mudaqim, 1 volume, Lebanon Publishing House - Beirut, edition: 1, 1414 A.H.
31. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 666
32. Qorshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, 7 volumes, Dar Kitub Al-Islamiya - Tehran, 6th edition, 1371 AH. Vol 5 page 182
33. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad, Al-Masbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer for Al-Rafa'i, 2 volumes, Dar al-Hijrah Institute - Qom, second edition, 1414 A.H. vol 1 page 327
34. Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris, Ma'jam Maqaays al-Lagha, 6 volumes, Maktoal Al-Ilam al-Islami - Qom, first edition, 1404 A.H. vol 4 page 499
35. Emami, Abdul Nabi, Farhang Qur'an, Hamida's Ethics, Volume: 3, Page: 372, Religious Press, Qom - Iran, 1389 H.S. vol 3 page 372
36. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 493
37. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 759
38. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 450
39. Qorshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, 7 volumes, Dar Kitub Al-Islamiya - Tehran, 6th edition, 1371 AH. Vol 7 page 236

40. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 881
41. Musa, Hossein Youssef, Al-Ifsah fi Fiqh al-Lagha, 2 volumes, Maktoal Al-Alam al-Islami - Qom, edition: 4th, 1410 A.H.
42. Qorshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, 7 volumes, Dar Kitub Al-Islamiya - Tehran, 6th edition, 1371 AH. Vol 2 page 380
43. Tabarsi, Fazl bin Hasan, Tafsir Jameem al-Jamae, 4 volumes, Qom Seminary, Management Center - Iran - Qom, Edition: 1, 1412 A.H. vol 2 page 525
44. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 996
45. Qorshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, 7 volumes, Dar Kitub Al-Islamiya - Tehran, 6th edition, 1371 AH. Vol 3 page 15
46. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 409
47. Alizadeh, Mehdi, Islamic ethics, page: 140, Maarif Publishing House, Qom - Iran, 1389 AH. page 140
48. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad, Al-Masbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer for Al-Rafa'i, 2 volumes, Dar al-Hijrah Institute - Qom, second edition, 1414 A.H. vol 1 page 208
49. SharifRazi, Muhammad bin Hossein, Nahj al-Balagha (Lal Sobhi Saleh) - Qom, edition: 1, 1414 A.H. page 699
50. Firouzabadi, Muhammad bin Ya'qub, Al-Qamoos Al-Mohit, 4 volumes, Dar Al-Kutub Al-Elamiya - Beirut, Edition: 1, 1415 A.H. vol 3 page 143
51. Khazaeli, Mohammad, Sharh Bostan, page: 39, Javidan, Tehran - Iran, 1356 AH. Page 39
52. Emami, Abdul Nabi, Farhang Qur'an, Hamida's Ethics, Volume: 1, Page: 204, Religious Press, Qom - Iran, 1389 AH. Page : 164
53. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad, Al-Masbah al-Monir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer for Al-Rafa'i, 2 volumes, Dar al-Hijrah Institute - Qom, second edition, 1414 A.H. vol 1 page 279
54. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 245
55. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 291
56. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 462
57. .Karajki, Mohammad Bin Ali, Kanz al-Fawadee - Iran; Qom, printed: first 1410 A.H. 40. Page 37
58. Arfa, Seyyed Kazem Publisher: Sarir Pen Language: Farsi Book Year of Publication: 1373 Number of Publications: 1 page 66
59. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, 15 volumes, Dar Sadir - Beirut, 3rd edition, 1414 A.H. vol 2 page 187
60. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ein, 9 volumes, Hijrat Publishing House - Qom, second edition, 1409 A.H. vol 4 page 126
61. Tabatabayi, Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 20 volumes, Al-Alami Foundation for Publications - Lebanon - Beirut, Edition: 2, 1390 A.H. vol 10 page 74
62. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad, Mufradat al-Faz al-Qur'an, 1 volume, Dar al-Qalam - Beirut, first edition, 1412 A.H. page 462
63. Tabarsi, Fazl bin Hasan, Tafsir Jameem al-Jamae, 4 volumes, Qom Seminary, Management Center - Iran - Qom, Edition: 1, 1412 A.H. vol 1 page 337
64. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, Al-Kashf on the facts of Ghawamaz al-Tanzir and the eyes of the narrators in the interpretations, 4 volumes, Dar al-Kitab al-Arabi - Lebanon - Beirut, edition: 3, 1407 A.H. vol 1 page 649

65. Tabarsi, Fazl bin Hasan, Tafsir Jameem al-Jamae, 4 volumes, Qom Seminary, Management Center - Iran - Qom, Edition: 1, 1412 A.H. vol 1 page 337
66. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 255

67. Tabarsi, Fazl bin Hasan, Tafsir Jameem al-Jamae, 4 volumes, Qom Seminary, Management Center - Iran - Qom, Edition: 1, 1412 A.H. vol 6 page 823
- 68 . Ansarian, Hossein, Manifestations of Divine Mercy, page: 206, Dar al-Irfan, Qom - Iran, 1384 AH. Page 206
69. Ansarian, Hossein, Farhang Mehrvarzi, page: 83, Dar al-Irfan, Qom - Iran, 1386 AH) page 83
70. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 201
71. Firouzabadi, Muhammad bin Ya'qub, Al-Qamoos Al-Mohit, 4 volumes, Dar Al-Kutub Al-Elamiya - Beirut, Edition: 1, 1415 A.H. vol 2 page 157
72. Bostani, Foad Afram, Farhang Abjadi, 1 volume, Islamic - Tehran, second edition, 1375 AH. Page 148